روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امیرالمومنین(ع):
با دوست خود در اظهار محبت سنگ تمام بگذار ولی صددرصد به او اعتماد نکن و شیوه احتیاط پیشه کن و با او به مواسات رفتار کن اما همه اسرار خود را به او مگو.

به عبارت دیگران

بگذارید روزنامه کار خودش را بکند...

گردآورنده: تقی دژاکام

حجت‌الاسلام مسیح مهاجری می‌گوید: «در طول سال‌های دهه اول انقلاب، ارتباطات نظام جمهوری اسلامی با انگلستان نوسانات زیادی داشت. انگلستان جزو کشورهایی بود که بعد از مسائل گروگانگیری، به آمریکا پیوسته و اعلام حمایت کرده بود و سطح روابط خود را با ما خیلی تنزل داده بود. سفارت خودش را در مواردی بسته بود، در مواردی به صورت حافظ منافع و در سطح پایین درآورده بود. در بعضی مقاطع، صحبت این بود که با این کشور ارتباط برقرار شود. یا انگلیس این تقاضا را می‌کرد یا دولت ما هم نشان می‌داد که مایل است این رابطه برقرار شود.

در یکی از این مقاطع که ما احساس کردیم تلاشی وجود دارد برای برقراری این رابطه، برآورد ما این بود که تلاش، تلاش خوبی نیست و ما باید یک مقدار قوی‌تر برخورد کنیم. من خودم مقاله‌ای نوشتم تحت عنوان «پدر شیطان» که حرف ما در آن مقاله این بود: اگر ما می‌گوییم آمریکا شیطان است، آمریکایی‌ها از تولیدات انگلیسی‌هایند و انگلیسی‌ها پدر آمریکایی‌ها، پس انگلیس پدر شیطان است. خب، در برقراری رابطه با انگلیس، ما باید خیلی قوی برخورد کنیم و دقت عمل داشته باشیم و مواظب باشیم که کلاه سرمان نرود. در این برقراری رابطه، انگلیسی‌ها می‌خواستند آقایی را اینجا کاردار خودشان کنند که ما درباره او حرف داشتیم و مسائلی را مطرح کردیم. اینها همه در آن مقاله مطرح شده بود. مقاله قوی‌ای هم بود.

یک شب سیداحمد آقا به من تلفن کردند تا مطلبی را از ناحیه امام مطرح کنند و پیغامی را درباره کارهای روزنامه برسانند. من پرسیدم: «نظر امام درباره مقاله پدر شیطان که ما نوشتیم چیست؟» چون همان روزها امام حمایتی از وزارت خارجه یا سیاست خارجی کرده بودند و برای من این شبهه پیش آمده بود که نکند ما کار خوبی نکرده باشیم. حاج سیداحمد آقا در جواب گفتند: «منظور این است که من این را از امام بپرسم و به شما بگویم؟» گفتم: «بله». بعد ایشان گفتند: «من اطلاع دارم از نظر امام و به شما هم همین الان می‌گویم».

گفتم: «خب، امام نظرشان چیست؟» گفتند: «آقای ولایتی [وزیر وقت امور خارجه]، آن روز در نیویورک بودند و آنجا این مقاله را از طریق فاکس دیده بودند و تماس با آقای بشارتی [قائم‌مقام وقت وزارت امور خارجه] گرفته و گفته بودند خدمت امام عرض کنید بالاخره ما راست می‌گوییم یا روزنامه جمهوری اسلامی؟ اگر ما درست عمل می‌کنیم، به روزنامه بگویید که این‌جور ننویسد، اگر روزنامه درست می‌نویسد، به ما بگویید این کار را نکنیم. آقای بشارتی هم با من [حاج سیداحمد آقا] تماس گرفت و من هم با امام قضیه را مطرح کردم.

امام فرمودند: «به ایشان بگویید هم شما درست عمل می‌کنید و هم روزنامه. بگذارید روزنامه کار خودش را بکند».

امیررضا ستوده
پا به پای آفتاب
نشر پنجره
جلد ۴، صفحات ۲۳۵ و ۲۳۶

***

مساجد اسلام از دانشگاه‌های اروپا برترند

دکتر محمد شوقی‌فنجری، استاد اقتصاد و مشاور اقتصادی انورسادات، رئیس‌جمهور وقت مصر بود که در بعضی دانشگاه‌های مصر و دیگر نقاط جهان کرسی تدریس داشت. او پس از آشنایی با کتاب‌های «فلسفتُنا» و «اقتصادُنا» شیفته اندیشه و شخصیت شهید سیدمحمدباقر صدر شد و از فرصت برگزاری اجلاسی در بغداد استفاده کرد و برای دیدار با وی به نجف آمد. او در این دیدار برای اینکه از مراتب تحصیلی و پژوهشی شهید صدر مطلع شود و بداند وی دانش خود را در کدام‌یک از دانشگاه‌های معتبر دنیا فراگرفته که به این سطح بالای علمی نائل شده است، پرسید: «حضرت استاد! کتاب‌های شما در عمق و دقت علمی و محتوای فکری، بسیار برجسته است و شگفتی من و تعداد زیادی از دوستانم را که اساتید دانشگاهند برانگیخته است. یکی از آنها اندیشمند فرانسوی «روژه گارودی» است که او نیز مشتاق زیارت شماست. می‌خواستم بدانم شما کجا و در کدام یک از دانشگاه‌های دنیا درس خوانده‌اید؟»

شهید صدر پاسخ داد: «من در هیچ یک از دانشگاه‌های مورد نظر شما درس نخوانده‌ام، نه در عراق و نه جای دیگر؛ بلکه اساساً من در طول زندگی‌ام به جز ۲ بار از عراق خارج نشده‌ام؛ یک‌بار برای حج بیت‌الله الحرام و بار دیگر برای سفر به لبنان به منظور دیدار برخی اقوام».

دکتر فنجری با تعجب پرسید: «پس کجا درس خوانده‌اید؟!»

شهید صدر گفت: «در مساجد؛ اینجا در نجف، طلاب و علما در مساجد درس می‌خوانند».

دکتر فنجری که از این پاسخ شهید صدر شگفت‌زده شده بود، گفت: «[بنابراین] به خدا سوگند مساجد نجف هزار برابر از همه دانشگاه‌های اروپا برتر است».

احمدعبدالله عاملی
محمدباقرالصدر السیره و المسیره فی حقائق و وثائق
(بیروت: العارف للمطبوعات، ۱۴۲۸)
جلد ۳، صفحه ۱۶۰

بررسی پدیده امیرحسین قیاسی و شیوه‌های جدید برخورد کمدین‌ها با چارچوب‌های فرهنگی

ابتذال تنظیم بازار

مردم ایران نخستین بار با امیرحسین قیاسی در سال ۱۳۹۶ آشنا شدند. او نخستین بار در بخش «خداننده شو» فصل دوم «خندوانه» حضور پیدا کرد و به همراه ابوطالب حسینی، به نخستین کمدین‌های دهه هفتادی نسبتا مشهور ایران تبدیل شدند. قیاسی با اینکه در عصر گسترش اینترنت و فضای مجازی پا به صحنه گذاشت، ابتدا از قاب رسمی تلویزیون معرفی شد و تا چند سال در همین چارچوب به فعالیتش ادامه داد. او به رغم اینکه از سال ۱۴۰۰ به این سو، به پلتفرم‌ها کوچ کرد، تا به حال هیچ‌گاه به طور کاملاً مستقل به تولید محتوا نپرداخته و همواره در چارچوب یک شبکه یا کمپانی برنامه‌سازی قرار می‌گرفت. به عبارتی با اینکه قیاسی یکی از مشهورترین چهره‌های اینستاگرام فارسی در مدت اخیر بوده، نمی‌توان او را جزو کسانی به حساب آورد که پس از کسب شهرت در یک رسانه رسمی، ادامه کار را به طور فردی در این فضا پی گرفته و کاملا به یک بلاگر تبدیل شده‌اند.

اقبال به سبک طنزپردازی امیرحسین قیاسی در یک سال اخیر به‌شدت افزایش یافته، چنانکه گزارش ۶ ماهه کوکو از اینستاگرام ایران اعلام می‌کند صفحه اینستاگرام امیرحسین قیاسی طی ۶ ماه منتهی به نیمسال اول ۱۴۰۴، رشد ۳۶۵ درصدی را تجربه کرده است.

بدون شک استعداد قیاسی و نمک‌طنازی او در این اقبال عمومی به وی تاثیرگذار بوده است. اگرچه مشخص است تیم نویسندگان برنامه‌های قیاسی، زبده و در اقبال عمومی به برنامه‌های وی موثرند اما طنازی قیاسی حتماً نقش کلیدی را در جذب مخاطب داشته است، بویژه که مخاطب نوعی صداقت را در رفتار طنز او فهم کرده است. یکی از اصلی‌ترین مواردی که قیاسی را طی این مدت تا این حد در کانون توجهات قرار داده، نوع برخورد او با چارچوب‌های فرهنگی یا به عبارتی مساله «ممیزی» است. واکاوی سبک برخورد این کمدین با موضوع ممیزی نشان می‌دهد چارچوب‌های معمول برای تنظیم‌گری محتوا در ایران، از شیوه‌های نو به نو در تولید محتوا کندتر حرکت می‌کنند و سیاستگذاران این حوزه مرتب از بازیگران عرصه عقب افتاده‌اند. در ادامه به واکاوی و بررسی این موضوع پرداختیم.

■ **هجو ممیزی در عصر ابتذال؛ قیاسی از نیمه‌شب تا پامپ**

خیلی طول نکشید که امیرحسین قیاسی، مسیر تجربه‌اش را از برنامه «نیمه‌شب» در ژانر «هجو خبر» (news satire) به برنامه «پامپ» در ژانر «گفت‌وگوی شبانه» (Late-night Show) تغییر دهد؛ مسیری که نقطه آغاز آن، امکانات ساده و خلاقیت محتوایی می‌خواست اما تغییرش به شبکه ارتباطی قوی‌تری از سلبریتی‌هایی نیاز داشت که در خودافشاگری، سرسخت و محافظه‌کار نباشند و در عین حال، احوالات شخصی‌شان چنان با جامعه در تضاد باشد که بتوان خمیرمایه طنز را از آن ساخت. هرچند مخاطب ایرانی، پیش‌تر، قالب گفت‌وگوهای شبانه را با برنامه «دورهمی» مهران مدیری در تلویزیون تا حدی مزمزه کرده بود که چارچوب‌های رسانه ملی اجازه می‌داد اما این حد، برای جلب مخاطب بالقوه یوتیوب و آپارات و حتی پلتفرم‌های نمایش خانگی کفایت نمی‌کرد. بنابراین درست مثل تاریخ طنز پس از انقلاب، مساله برای قیاسی هم نه «شوخی» بلکه «چارچوب‌های شوخی» بود. چیزی که حالا او، مستقیم‌تر و بی‌پرواتر از همه، مثل خمیربازی کودکان آن را به دست گرفته و با آن ور می‌رود؛ طرفه اینکه آن چارچوب‌ها هم بر اثر تحولات جامعه و تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و ساختارهای نهادی، دیگر هرگز استحکام حتی یک دهه قبل را باز نخواهند یافت. خب! شاید اصلا مطلوب هم نباشد.

■ **دستکاری چارچوب‌ها با هجو ممیزی**

از آنجا که سال‌هاست این چارچوب‌ها یا همان ممیزی، از نگاه نهادی، آخرین سنگر حفظ فرهنگ شناخته می‌شود، انگیزه‌ها برای دستکاری آن از طریق حمله و هجو هم زیاد است. چنانکه پیش از «پامپ»، «ممیزی» حامد جوادزاده، آن را آزموده بود با این تفاوت که «ممیزی» چارچوب‌ها در ساحت دیگری چون موسیقی را دستمایه طنز قرار می‌داد اما قیاسی، مستقیما نه‌تنها با موارد بالقوه مساله‌دار برنامه‌های خودش شوخی می‌کند، بلکه آن اندیشه‌ها و مسائلی را هجو می‌کند که ریشه‌های ممیزی را ساخته‌اند. مثلا در «نیمه‌شب» یکی از موتیف‌های ثابت شوخی، «خارجی‌ن دیگه! خارجیا، مشروب می‌خورن، دوست دختر دارن، خیانت می‌کنن» به خط قرمزی اشاره می‌کند که مایل است صحبت از این دست مسائل را دست‌کم آشکارا و در گفت‌وگوی مستقیم و رودررو محدود سازد. یا وقتی قیاسی با اشاره به اینکه ممکن است به خاطر گرما بدون شلوار روی صندلی نشسته باشد و ممیز، نمی‌تواند هیچ کاری بکند چون چیزی در تصویر معلوم نیست، عملا مرزهای صحبت درباره چیزی را هجو می‌کند که دست‌های ممیز را بسته و مخاطب قرار است به همین تضاد بخندد. به اینکه ممیز، دیگر ابزاری برای برخورد ندارد.

■ **سلاح کارآمد سپرسازی از ممیزی در برابر ممیزی**

ابزاری که تیم محتوایی امیرحسین قیاسی خلق کرده، ابزاری نوپدید و جوانانه در مبارزه با ممیزی است که می‌توانیم آن را با عبارت کلی «سپر ساختن از ممیزی در برابر ممیزی» صورت‌بندی کنیم. ابزاری که در شرایط فعلی بسیار کارآمدتر از ابزارهای طنزپردازان قبلی می‌نماید و غالب چهره‌های شاخص طنز پس از انقلاب، از گرایش‌ها و ذائقه‌های مختلف، به‌رغم تمایل شدید به مبارزه با ممیزی، جز استعاره و ایهام و مجاز، ابزار دیگری برای آن نمی‌شناختند. کار برای آنان البته به مراتب سخت‌تر بود. چنانکه پیمان قاسم‌خانی در نشستی با عزت‌الله ضرغامی، مدیر وقت صداوسیما، التماس دعا داشت کاری کنند که بشود با مشاغل و اقشار و اقوام مختلف شوخی کرد. این لایه، هوشمندتر از آن بود که نداند بخش بزرگی از ممیزی‌هایی که ساختارهای نهادی، خود را مسؤول اجرای‌شان می‌دانند عملا نمایندگی از حساسیت‌های خود جامعه است که هر بار ساختار از آن اندکی پس نشسته، منجر به بحران‌های کوچک و بزرگ اجتماعی و فرهنگی شده است اما حالا جامعه تغییر کرده و به لطف فشارهای مختلف اقتصادی و سیاسی، بسیاری از این حساسیت‌ها به طور خودکار کاهش یافته‌اند.

■ **اعتراف به ابتذال، عبور از جدال روشنفکری با حاکمیت**

اما تردیدی نیست که ابزار ابداعی نسل جوان، جسورانه‌تر و بی‌پرواتر از نسل قبلی است. ابزاری که نه تنها مستقیما سراغ دستگاه ممیزی و زیرساخت‌های فکری ممیزی نهادی می‌رود، بلکه موانع اجتماعی و فرهنگی در برهم‌کنش با مخاطب را هم از طریق همین ابزار پشت سر می‌گذارد. اگر این یکی را هم با «سپر ساختن از اعتراف به ابتذال برای پمپاژ ابتذال» صورت‌بندی کنیم، هم جسارت و بی‌پروایی و بی‌تعارف بودن مبدعان این روش بیشتر مشخص می‌شود و هم متوجه خواهیم شد که وقتی جریان روشنفکری و ساختارهای نهادی در حال جدال بر سر خطوط قرمز سیاسی بودند و تلاش می‌کردند با کنش رادیکال مثل موضع‌گیری‌های صریح سیاسی و واکنش تنبیهی مثل ممنوع کاری از یکدیگر امتیاز بگیرند، گفتمانی در بطن جامعه در حال رشد بود که بدمن مشترک هر دو طرف یعنی «ابتذال» را ارزش می‌دید یا دست‌کم از توسل به وجوه اجتناب‌ناپذیر آن، شرمی نداشت. جریانی که شاید بیش از هر ذایقه‌ای در نسل قبلی طنز کشور، به ذایقه رضا عطاران نزدیک بود و اما حتی به اندازه او هم قصد نداشت با جامعه و حاکمیت اظهارش، به تعارف و استعاره و حفظ احترام متقابل بیفتد.

■ **سهم زنان در چرخه شوخی - خنده‌های ضدزن**

طنز امیرحسین قیاسی، حتی در پمپاژ ابتذال برای مخاطب نوجوان هم مرز خاصی ندارد. اقتضای قرار گرفتن اسپانسری چون «ماز» در کنار «پامپ» همین است که نوجوانان ۱۰ تا ۱۷ساله هم مخاطب بالقوه برنامه شناخته شوند و فهم و نگرش‌شان در شوخی‌ها لحاظ شود؛ نوجوانانی که منطقا باید بیشتر مذکر در نظر گرفته شوند تا طنز ضد زن قیاسی را بفهمند؛ طنزی که زنان و بویژه عامه دختران نوجوان (مگر در قشری کوچک) به علت استفاده از ادبیات تخصصی(!) مردانه در شوخی‌های جنسی و موقعیت‌های خاصی که اغلب مردانه تعریف می‌شوند، به فهم آن راهی ندارند. بسیاری از دفاعیه‌های طنزآمیز قیاسی از زنان نیز عمیقا ضد زن هستند، چنانکه در بیان علت احترام به زنان و دوست داشتن ایشان، آشکارا به خواص جنسیتی زنانه اشاره می‌کند؛ شوخی‌هایی نظیر اهمیت تبلیغات توسط زنان تنها با پیوست‌های ادبیات عامه‌پسند مردانه قابل فهم است که در آن به سبک ویژه آزاده صمدی در تبلیغات یا زوایایی که لیلا حاتمی و طناز طباطبایی به آنها شناخته می‌شوند، نقش اصلی را در فهم شوخی بازی می‌کند؛ ادبیاتی که گاه به شکلی شرم‌آور، روکش احترام به زن را کنار می‌گذارد و در شوخی با سیدنی سوئینی و کیم کارداشیان، زیرمتن‌های جنسی و جنسیتی را علیه زنان فعال کرده و به سطح شوخی‌ها می‌آورد. طنز در این جهان گفتمانی مبتنی بر ابتذال، نهایتا ارمغانی بیش از همان محتوای جنسی تئاترهای آزاد برای جامعه ندارد و هرچند زنان هم مخاطب آنها باشند اما هرگز به بیش از ابژه‌های جنسی ارتقا نمی‌یابند و مشارکت‌شان در خندیدن، همین مقدار است که بتوانند خود را به جای مردان هوسرانی بگذارند که آنان را جز با ویژگی‌های جنسیتی نمی‌سنجند. اگر به هر علت، از جمله عدم همذات‌پنداری یا حتی سر درنیاوردن از ادبیات پر استعاره و ایهام مردانه، نتوانند با این جنس طنز ارتباط بگیرند، جایی در این جهان نخواهند داشت و اگر هم ارتباط بگیرند، جز ابژه‌های جنسی حقیر، طور دیگری تعریف نخواهند شد.

■ **عمومیت‌بخشی به سبک زندگی گروه‌های خاص**

با این همه عبور «پامپ» از مرزهای فرهنگی و ناشناختگی‌اش برای مخاطب عام، تنها به زنان ختم نمی‌شود. استفاده از ادبیات تخصصی(!) گروه‌های خاص اجتماعی در موقعیت‌های خاص گاه مردان را هم از زنجیره تبادل شوخی و خنده با قیاسی به بیرون پرتاب می‌کند، چنانکه خود قیاسی هم گاه با احتمال قطع ارتباط شوخی‌هایش با نسل پدران و مادران، طنز می‌سازد. سوالات ثابت او در «پامپ» از این قبیل که «آیا مدام پارتی می‌روی؟ آیا مواد مخدر مصرف می‌کنی؟ آیا لاابالی هستی؟ آیا درست در مدرسه خوب بود؟» تعامل ویژه‌ای را با میهمان‌هایی از این جنس و طبعا با ادبیاتی خاص می‌طلبد که عامه مردم با جزئیات آن آشنا نیستند و خود قیاسی گهگاه احساس لزوم می‌کند برخی عبارات را به نحوی آموزش دهد تا مشارکت مخاطب در شوخی به صفر نرسد و از چرخه خنده بیرون نماند.

■ **متهم کردن سلبریتی‌ها یا رفع اتهام از آنان؟**

مساله دیگر آن است که جست‌وجوی سلوک و سبک زندگی شخصی سلبریتی‌ها از لابه‌لای شوخی با آنان برای آزادسازی جزئیات و رسیدن به خودافشاگری درباره روابط متعدد یا خارج از عرف یا مصرف مواد و مسائلی از این دست، قرار است نهایتا چه ارتباطی را میان مخاطب، میزبان و میهمان شکل دهد. آیا هدف، آشکار کردن سبک زندگی خاص لایه خاصی از هنرمندان است یا قرار است از خلال این سوالات یا بازجویی‌ها - چنانکه ایرج طهماسب اشاره کرده بود - به این برسیم که پیش‌فرض‌های عموم مردم درباره سبک زندگی پرتجمل، ثروت‌زده، بی‌قاعده و خارج از عرف و شرع سلبریتی‌ها، خیلی هم درست نیست و واقعیت ندارد؟ هدف، متهم کردن آنان است یا رفع اتهام از ایشان؟ هدف هر چه که باشد در خلال این گفت‌وگوها اساسا هیچ اتفاقی برای تصویر مخاطب از میهمان برنامه نمی‌افتد، بلکه صرفا ادبیات و سبک زندگی خاص یک گروه اجتماعی فراگیر می‌شود و در این میان، میزبان هم به نان و آب و ماشین چینی اما طبیعتا باز هم در فهم عرفی که توسط جریان روشنفکری پشتیبانی و ظرفیت‌سازی می‌شود، پیشنهاد رابطه توسط یک پیرمرد به هادی کاظمی وقتی که سرباز بوده، یا اشاره‌های ضمنی به روابط همجنس‌گرایانه برخی میهمان‌ها چون اشوان، چیزی جز واقعیت‌های اجتماعی که برای‌شان شوخی‌سازی شده، نیستند.

و حالا افراد بسیاری، «نیمه شب» و «پامپ» و احتمالا هر محصول دیگری از امیرحسین قیاسی را دنبال می‌کنند تا فراموش نکنیم تغییر شرایط سیال اجتماعی و فرهنگی، در شکل دادن به چارچوب‌های عرفی چنان قدرت و سرعتی دارند که ساختارهای نهادی را در تدبیر کردن ممیزی موثر، جا می‌گذارند. خصوصا آن دسته از ممیزی‌هایی که سهم مشارکت نهادهای اجتماعی مهم چون خانواده و مدرسه در آنها دیده نشده باشد و هدف‌شان، به جای آنکه درونی کردن ارزش‌ها و رعایت خودانگیخته چارچوب‌های فرهنگی باشد، تمام هم و غم خود را صرف اجبار و القای بیرونی موازین به جامعه و هنرمندان می‌کنند.

دوئل کوبانی و جولانی در شام

نگاه

ادامه از صفحه اول

گروه مذکور جهت کاهش حساسیت‌های منطقه‌ای نسبت به تمایلات جدایی‌طلبانه کردها، مبادرت به جذب شماری شبه‌نظامی عرب، آشوری و ارمنی کرده است. از حزب «پ‌ک‌ک» به عنوان قدیمی‌ترین چالش امنیتی ترکیه نام برده می‌شود و رهبران سیاسی - نظامی قسد نظیر صالح مسلم و مظلوم کوبانی کرارا تعهد و وفاداری خود به اندیشه‌های عبدالله اوجالان، بنیانگذار حزب کارگران کردستان ترکیه را اعلام کرده‌اند. «پ‌ک‌ک» از سوی ترکیه، آمریکا، اتحادیه اروپایی و برخی کشورهای دیگر به عنوان سازمانی تروریستی شناخته می‌شود. مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت مرکزی دمشق با شبه‌نظامیان قسد در مقطع کنونی که می‌تواند آتش جنگ را مجددا در سوریه شعله‌ور کند از این قرار است:

مخالفت قسد با ادغام کامل در ارتش سوریه: رهبران این گروه با هدف حفظ انسجام شبه‌نظامیان قسد، خواستار قرارگیری فرمالیته نیروهای تحت امرشان ذیل ارتش سوریه هستند، چرا که می‌خواهند اهرم فشار و توان نظامی خود در معادلات حاکم بر سوریه را در آینده حفظ کنند.

تمایل کردها به تاسیس حکومت خودمختار در سوریه، مشابه اقلیم کردستان عراق: با وجود اعلام رسمی مظلوم کوبانی مبنی بر پایبندی به حفظ تمامیت ارضی سوریه، رهبران این گروه مایلند با تاسیس نظامی فدرال و ایجاد استقلال نسبی در مناطق تحت کنترل، حکومتی مشابه اقلیم کردستان عراق در شرق رود فرات ایجاد کنند.

عدم عقب‌نشینی از رقه، دیرالزور و دیگر مناطق عرب‌نشین شرق فرات: از سرنوشت شهر رقه به عنوان پایتخت حکومت پیشین ابوبکر بغدادی که در خلال جنگ داخلی سوریه به تصرف شبه‌نظامیان کرد درآمد به عنوان مهم‌ترین محل مناقشه طرفین نام برده می‌شود. علاوه بر رقه، بخش وسیعی از مناطق عرب‌نشین شرق رود فرات نیز در اختیار نیروهای قسد است و کوبانی صراحتا اظهار کرده تحت هیچ شرایطی این مناطق را در اختیار نیروهای تحریر شام قرار نخواهد داد.

به نظر می‌رسد رهبران قسد با ۲ هدف از عقب‌نشینی از مناطق عرب‌نشین خودداری می‌ورزند:

۱- استفاده از کارت مناطق یادشده در رایزنی‌های آتی با دولت دمشق

۲- گره زدن سرنوشت این مناطق با مناطق کردنشین تل ابیض، عفرین، محلات شیخ مقصود و اشرفیه حلب و دیگر مناطق کردنشین تحت سیطره تحریر شام و ارتش ملی سوریه (وفادار به دولت ترکیه)

سرنوشت نامعلوم شبه‌نظامیان خارجی حاضر در صفوف قسد: بخش اعظم نیروهای قسد را شبه‌نظامیان کرد ایرانی، ترکیه‌ای و عراقی تشکیل داده و تحریر شام بر ضرورت اخراج فوری آنان از تشکیلات نظامی قسد پا فشرده است.

■ **آتش زیر خاکستر سوریه**

تنش در حلب اگرچه با حضور تام باراک و برد کوپر موقتا فروکش کرده، لیکن وضعیت در سوریه همچون آتش زیر خاکستر ارزیابی می‌شود. با وجود ادعای طرفین مبنی بر گفت‌وگوهای سازنده کوبانی و شرع در دمشق در روزهای اخیر، با این حال چالش‌های اشاره‌شده همچنان به قوت خود باقی است. هیات قسد در دیدار اخیر با شرع خواستار اصلاح توافق دهم مارس شده و تأکید کرد حاضر به «ادغام انفرادی» نیروهای قسد در ارتش نیست، بلکه می‌خواهد به صورت یک بلوک نظامی واحد و منسجم در ساختار ارتش باقی بماند؛ خواسته‌ای که خط قرمز دمشق و متحد شمالی‌اش (ترکیه) محسوب می‌شود. سفر اخیر وزرای دفاع، خارجه و رئیس اطلاعات حکومت دمشق به آنکارا، بدون تردید با هدف تقویت هماهنگی‌ها جهت مقابله با عدم انعطاف یگان‌های مدافع خلق انجام شده است. اردوغان چندی پیش در سخنانی ضمن تاکید بر حمایت از ثبات، امنیت و یکپارچگی کشور سوریه و پافشاری بر ضرورت تحقق مفاد توافق دهم مارس از سوی قسد، تهدید کرد: «نباید صبر ما به عنوان عجز فهمیده شود». یاشار گولر، وزیر دفاع ترکیه نیز صراحتا اعلام کرد کشورش به هیچ سازمان تروریستی بویژه «پ‌ک‌ک»، «وای‌پی‌جی» و قسد اجازه نخواهد داد در منطقه ریشه بدواند یا تحت عناوین مختلف در خاک کشورهای همسایه فعالیت کند. برآیند تحرکات حاکم بر منطقه حکایت از تقویت مواضع ۲ طرف و آمادگی برای جنگی فرسایشی در منطقه دارد. دولت دمشق مواضعش را در حلب بشدت تقویت کرده و ارتش و جنگنده‌های ترکیه با افزایش حملات در مناطق همجوار با رژووا، برای شبه‌نظامیان قسد خط و نشان کشیده‌اند. کردها نیز با احداث استحکامات وسیع و شبکه‌ای از تونل‌های گسترده در مناطق نزدیک به مواضع تحریر شام - همجوار مرزهای ترکیه- خود را برای نزاعی فراگیر آماده کرده‌اند.

■ **متغیرهای مؤثر بر موازنه قوا در سوریه**

با وجود تثبیت نسبی موقعیت شرع در اغلب مناطق سوریه، تنش‌های اخیر با نیروهای کرد، نزاع خونین در مناطق دروزنشین و درگیری‌های خونبار چند ماه پیش در مناطق ساحلی، معضلات لاینحل باقی مانده است که هر یک با مداخله کشورها و شبه‌نظامیان پیرامونی، از پتانسیل بالایی برای تشدید تنش‌ها در شمال شرق سوریه برخوردارند.

از نیروهای دموکراتیک سوریه با دارا بودن ده‌ها هزار شبه‌نظامی به عنوان قدرتمندترین رقیب داخلی تحریر شام نام برده می‌شود.

در این میان سلسله عواملی بویژه درباره شیوه بازیگری کشورهای همسایه می‌تواند موازنه قوا را به نفع یکی از طرفین مورد مناقشه دگرگون کند. پشت‌گرمی تحریر شام به حمایت تمام‌قد ترکیه و اعراب: از زمان استیلای تحریر شام بر اغلب مناطق سوریه؛ ترکیه، سعودی، قطر و امارات در زمره بزرگ‌ترین متحدان منطقه‌ای شرع قرار داشته‌اند. نگرانی آنکارا از پیامدهای تثبیت موقعیت کردها در شمال سوریه و تسری بحران به مناطق کردنشین ترکیه بویژه پس از انعقاد توافق میان آنکارا و «پ‌ک‌ک»، موجب شده ترک‌ها تمام‌قد به حمایت از شبه‌نظامیان تحریر شام بپردازند. انگیزه آنها در مقابله با نیروهای قسد به مراتب بیشتر از تحریر شام است. توان نظامی آنکارا و اتکا به بیش از ۱۰۰ هزار جنگجوی ارتش ملی سوریه (نیروهای حامی ترکیه در شمال سوریه) دست برتر را در این معادله از آن تحریر شام ساخته است. دولت‌های عرب نیز بدون تردید با حمایت از تمامیت ارضی سوریه به عنوان یک عضو جامعه عربی، در این منازعه به حمایت از شرع خواهند پرداخت.

انفعال ایالات متحده در منازعه کردها با تحریر شام: بر خلاف سنوات گذشته که شاهد حمایت تمام‌عیار آمریکا از شبه‌نظامیان قسد و استقرار چندین پایگاه نظامی در مناطق شمال سوریه جهت حفاظت از مصالح کردها بودیم، از زمان قدرت‌گیری مجدد ترامپ، بی‌میلی وی به مداخله مستقیم نظامی آمریکا در سوریه و روابط حسنه کاخ‌سفید با اردوغان، موجب شده واشنگتن از جایگاه حامی کردها به عنوان یک قدرت بی‌طرف در این منازعه ظاهر شود. خروج تدریجی نظامیان آمریکایی از سوریه در طول ماه‌های اخیر، به وضوح بیانگر عدم تمایل واشنگتن به مداخله در بحران داخلی احتمالی سوریه است. رژیم صهیونیستی در قامت متحد تاریخی کردها: روابط سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم صهیونیستی با شبه‌نظامیان کرد منحصر به مقطع کنونی یا منطقه خاصی نبوده و از زمان اشغال سرزمین فلسطین، دولتمردان صهیونیست جهت ایجاد موازنه در منطقه و تضعیف دولت‌های عربی - اسلامی در مسیر حمایت از کردها و آمال آنان مبنی بر تجزیه منطقه گام برداشته‌اند.

فاصله جغرافیایی رژیم صهیونیستی با دولت خودمختار قسد اگر چه مانعی پیش روی حمایت کامل ارتش صهیونیستی از شبه‌نظامیان کرد محسوب می‌شود (بر خلاف حمایت از شبه‌نظامیان دروز در سویدا)، لیکن سیاست جنگ‌افروزانه اخیر نتانیاهو، هر سناریویی را محتمل کرده است.

مشارکت مستقیم ارتش صهیونیستی در نزاع احتمالی و پشتیبانی هوایی از جنگجویان کرد می‌تواند غلبه تحریر شام بر کردها را دشوار کند. احتمال پیوستن جنگجویان «پ‌ک‌ک» به نیروهای سوریه دموکراتیک: از شبه‌نظامیان قسد به عنوان شاخه سوری حزب کارگران کردستان ترکیه نام برده می‌شود. پیشینه حمایت نظامی «پ‌ک‌ک» از گروه‌های جدایی‌طلب کرد در کشورهای مختلف گواه آن است که با تشدید تنش‌ها در سوریه، احتمالا وفاداران به اوجالان که از قضا در مقطع کنونی سلاح‌های خود را جهت مقابله مستقیم با ترکیه بر زمین نهاده‌اند، جهت حمایت از همتایان سوری خود مستقیما وارد میدان شوند. با وجود جمعیت اندک کردهای سوری نسبت به مناطق کردنشین ترکیه، عراق و ایران، ایجاد دولتی نیمه‌مستقل در شمال سوریه، بخشی از آمال جدایی‌طلبان کرد را در طول دهه‌های اخیر فراهم کرده، از همین رو به نظر می‌رسد شبه‌نظامیان «پ‌ک‌ک» جهت حفظ دستاورد یادشده بی‌تفاوت نمانده و مستقیما وارد نزاع علیه تحریر شام شوند. ورود شبه‌نظامیان «پ‌ک‌ک»، بر منازعه حاکم بر سوریه تاثیر گذاشته و مسیر را برای پیشبرد سیاست‌های شرع دشوار خواهد کرد. واکنش احتمالی اقلیت‌های سوری: از زمان قدرت‌گیری تحریر شام در سوریه و تمایلات فرقه‌گرایانه آن، از نقض حقوق اقلیت‌های سوری نظیر مارونی‌ها، علوی‌ها، ارمنی‌ها، کردها، شیعیان و دروزی‌ها به عنوان بزرگ‌ترین نگرانی جامعه بین‌الملل نام برده می‌شود. شیوه واکنش اقلیت‌های مذکور در برابر بحران احتمالی نقش بسزایی در پیشبرد یا ممانعت از تحقق اهداف دولت تحریر شام ایفا خواهد کرد. بهره‌گیری اقلیت‌های مذکور از فضای یادشده، جهت تامین حقوق خویش و تمایل به جدا شدن از سوریه، می‌تواند بحران در سوریه را به زیان تحریر شام تشدید کند.

■ **نتیجه‌گیری**

برآورد توان نظامی، مالی و حمایت بین‌المللی گروه‌های دخیل در بحران سوریه، حکایت از برتری نیروهای تحریر شام بر شبه‌نظامیان کرد دارد. سکوت ایالات متحده در قبال غلبه نیروهای تحریر شام بر کردها، نقش بسزایی در این مسیر ایفا خواهد کرد. از همین رو قابل تصور است در صورت عدم توافق میان کردها و دمشق، نیروهای وفادار به شرع با اتکا به نیروهای ارتش ملی سوریه و حمایت نظامی ترکیه، بر نیروهای سوریه دموکراتیک غلبه کنند. تنها عاملی که در مقطع کنونی می‌تواند توازن را در منطقه به زیان تحریر شام دگرگون کند، مشارکت مستقیم ارتش صهیونیستی در نزاع فوق‌الذکر است؛ امری که اگرچه با واقعیت‌های میدانی نامانوس است، لکن جنگ‌افروزی نتانیاهو در خلال پساهفتم اکتبر و حمله به کشورهایی چون ایران، یمن و قطر، هر گزینه‌ای را از جمله مشارکت مستقیم جنگنده‌های صهیونیستی در نزاع میان کردها و تحریر شام محتمل کرده است.